

و نصرالسلطنه سپهدار که نان را از قرار يك من تبريز در يك قران بفروشد. لذا در مجلس مذاکره شد آقایان قبول نکردند و گفتند: باید امر نان و گوشت را واگذار نمود به تجار معتبر که از قرار يك من چهار عباسی بفروشد و ضمانت هم بدهند. چه این سه نفر امروز که اول خرمن است يك من يك قران می فروشد لکن آخر سال باز گران می کنند؛ ما تا حرف بزیم خواهند گفت ما با دولت این قسم قرار گذاردیم. بعضی هم در مجلس از اقبال الدوله و امیربهداد و سپهدار بدگفتند اختلافات درباره این سه نفر زیاد شد.

روز سه شنبه چهاردهم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز نظامنامه ای را که ملت نوشت. فرستادند حضور شاه که امضاء نمایند و شهری گرفته است که دولت زمین «درشت» را با پول زیادی داده است به جناب آقا سید عبدالله، به این جهت مردم دل شکسته شده اند و از جانب آقا سید عبدالله و اجزایش مأیوس شده اند.

مجموعه از مفصل، زمین «درشت» که اعلیحضرت، دستخط فرموده اند و داده اند به آقای بهبهانی این است که «درشت»، ده و مزرعه ای است در سمت شمال تهران واقع است و زمین «درشت» در چند سال قبل متصل بود به باغ شاه که الان متصل به خندق و دروازه شهر تهران است و چون فرمانفرمای مرحوم نصره الدوله، پدر فرمانفرمای حالیه که مدعی به عبدالحسین میرزاست، آبی را جاری نمود که موسوم به آب فرمانفرماست و در بیرون شهر آسیاب و باغ احداث نمود و اطراف آب را تحجیر نمود، لذا رعایای «درشت» در مقام مزاحمت و تصدیع و معانعت فرمانفرما برآمدند. فرمانفرما هم چون احتیاج خود را به آن زمینها می دانست رعایا را به هرطور بود ساکت نمود، یا به صلح و خریدن و یا به قهر و زور هر چه بود مدعی از بین رفت و فرمانفرما، فرمانی از مرحوم ناصرالدین شاه صادر کرد و احتیاطاً هم از مرحوم میرزای آشتیانی خرید، آن زمین را به عنوان زمین موات و مجهول المالك نوشتجات شرعی و عرفی را تمام و در صندوق خود گذارد پس از کشته شدن ناصرالدین شاه به تیر میرزارضای کرمانی و عزل فرمانفرما، عبدالحسین میرزا پسر مرحوم فرمانفرما نصره الدوله از ریاست وزارت جنگ و سپهسالاری رعایای «درشت» مدعی به راه مصالحه کردند به آقا سید علاءالدین اعتماد الاسلام و یکی از پسرهای آقا سید عبدالله، در این ایام که فرمانفرما عبدالحسین میرزا در کرمان حکومت می کند آقایان هم پیش افتاده اند. اعتماد الاسلام به توسط آقا سید عبدالله دستخطی صادر نمود و فرستادند زمین را متصرف شوند. عجیردیوان، پیشکار فرمانفرما مراتب را تلگرافاً به فرمانفرما اطلاع داد، فرمانفرما هم آنچه توانست به هر کس ملتجی و تلگراف نمود. لکن به خرج نرفت و لسی مسئله دستخط دادن زمین «درشت» امروز به مردم رسید و در بین مردم افتاد، در مجالس و محافل مردم این اعتناء را عنوان می کنند تا در «وقع چه پیش آید و فرمانفرما چقدر متضرر شود».

روز چهارشنبه پانزدهم رجب ۱۳۲۴ هجری - جمعی از تجار و اصناف آمدند در

خانه آقای طباطبائی و گفتند: ما جناب آقا سید عبداللہ را خواهیم کشت. چه این ملت را فروخته و رشوه گرفت و زمین های «درشت» را از دولت برای خود و پسر و داماد خویش گرفته است. جناب آقای طباطبائی مردم را به نصیحت ساکت نمود و فرمود: مسئله زمین مدتی است در بین است و متنازع فیہ می باشد، ربطی به رشوه ندارد. البته این عنوان را ننکند که در اول امر زحمات ما به هدر خواهد رفت.

امروز حاج معین التجار بوشهری هزار تومان داد به جناب آقا میرزا محمد صادق، که بدهد به اجزاء انجمن مخفی که مواظبت داشته باشند، بدگویان او را ساکت نمایند، بلکه بتوان در وکالت از طرف ملت داخل شده و او را در جزو مبعوثان ملت برقرار نماید. جناب آقا میرزا محمد صادق، ده بیست تومانی به آقا شیخ محمد مازندرانی و قدردی هم به حاج جلال الممالک و یک و دو نفر دیگر داد و مابقی را میل فرمود.

روز پنجشنبه ۱۶ رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز آقایان رفتند به مجلس، گویا نظامنامه را امضاء نکردند. مردم هم از مجلس آمدند در خانه جناب آقای طباطبائی و اجتماع و ازدحامی شد. آقای بهبهانی و حاج شیخ فضل الله و جناب صدرالعلماء و سایرین هم آمدند میاهو و قیل و قال زیاد شد قرار گذاردند که روز شنبه دکانها را باز نکنند. بعضی اذن گرفتند که عین الدوله را بکشند زیرا که آمده است شهر و رفته است در پارک و خانه خود. آقایان مردم را ساکت نموده تا روز شنبه مهلت خواسته و گفتند: مستشار الملک رفته است حضور اعلیحضرت شاهنشاه که نظامنامه را به صحنه برساند. شما تا روز شنبه صبر کنید اگر نظامنامه به صحنه و امضاء نرسید، آن وقت آنچه باید خواهد شد و ما هم با شما هر جا بروید خواهیم بود و اما آمدن عین الدوله به شهر شاید آمده است که تدارک خود را ببیند و خانه و اسباب خانه خود را رسیدگی و به کسی بسپارد. طلاب به این حرفها و مواعید متقاعد نشدند تا این که جناب آقای طباطبائی فرمودند تا پس فردا مهلت خواسته اند و من از طرف شما مهلت داده ام و قول داده ام شما صبر کنید «الاکرام بالاتمام» اگر تا پس فردا مجلس رسمی منعقد نگردید و نظامنامه به امضاء نرسید من حاضریم که بر حسب میل شما رفتار نمایم مردم متفرق شدند.

تحصن مجدد تجار در سفارتخانه انگلیس

در اول شب خبر رسید که تجار رفتند به سفارتخانه انگلیس، تحصن شدند. برای تأخیر نظامنامه.

امروز مکتوبی از مسلمانان قفقاز رسید که نوشته بودند پنجاه هزار نفر فدائیهای قفقاز برای یاری کردن ایرانیان از جان و مال گذشته اند؛ هر وقت اشاره شود می آیند به ایران. اگر چه اثری مترتب بر این حرفها نخواهد شد و کسی پیدا نمی شود که از جان و مال بگذرد، لکن تا یک اندازه باعث قوت قلب عوام خواهد گردید و ما هم بر حسب وظیفه

تاریخ نویسی آنچه به دست آریم می نگاریم صورت یکی از مکاتیب قفقازیه این است که ذیلا نگاشته آمد .

مکتوب فدائیان قفقاز

حضور مبارك حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقا سید محمد طباطبائی مدظله العالی - امروز ترجمه رقعته حضرت مستطاب عالی را که در خصوص آزادی ملت، از دست ظلم حکومت مستبد و تأسیس مجلس دارالشورای ملت و ایجاد قانون اساسیه و عدلیه برای اداره کردن دولت و استحکام پایه سلطنت شش هزار ساله که به حضرت مستطاب اشرف اتابک اعظم مدظله العالی مرقوم فرموده بودید ، در روزنامه محترم ارشاد زیارت گردید و يك دنیا مفتخر و يك عالم شاد و سربلند و نهایت امیدوار شدیم . که هنوز بکلی خون در عروق ما ملت ایرانیان خشک نشده و از میان بیست ملیان نفوس ، باز يك نفر مثل حضرت مستطاب عالی و حضرت مستطاب حجة الاسلام، آقای آقا سید عبدالله دامت برکاته، بیرون آمدند و پیروی به جد مکرم معظم خود، حضرت رسالت پناهی ارواحنا فداه فرموده صدای واملتا بلند و به داد رعایای مظلوم بیچاره رسیده، درصدد درخواست قانون عدالت برآمدند که بیست ملیون نفوس بیچاره را از دست پانصد نفر ظالم جابر، خلاص بفرمایند .

به طوری که خاطر مبارك مسبوق است، يك صد و پنجاه سال قبل دولت ما از تمام آسیا باج می گرفت، ولی بدبختانه امروز همسایگان ما راضی به باج گرفتن از ما نشده درصدد قسمت کردن وطن عزیز ما هستند. آیا رواست که يك دولت شش هزار سال باکمال استقلال سلطنت نماید و امروز استبداد و خودپسندی و اغراض شخصی وزراء کار به جائی بکشد که احدی حرف حساسی را هم گوش نداده، بگویند: شماها چون قانون ندارید وحشی هستید ، ما باید ترتیب خانه شما را بدهیم. در داخله عملکت خود که جرئت حرف زدن نداشتیم و نداریم. در خانه هم هرچه فریاد کردیم کسی به داد ما نرسید. و رئیس هم نداشتیم که دست اتحاد به یکدیگر داده ، جان و مال و ناموس خود را از دست بعضی ظالمان خوش خط وخال خلاص نموده، به جواب همسایگان پردازیم. ولی حالا صد هزار مرتبه خدا را شکر می کنیم که پرده از روی کار برداشته شده عموم اهالی وطن و برادران عزیز ما، صدای همسایگان ما را شنیده، بدانند چه باید بکنند و رافت و مهربانی پدر مهربان و شاهنشاه تاجدار ما را هم فهمیده ، می دانند که شخص پادشاه هرگز راضی به جبر و ظلم نیست سهل است، نهایت درجه عاقل است که قانون عدالت برپا و اساس سلطنت و خانواده خود محکم شود. پس در این صورت

حالا تکلیف ما عموم ایرانیان است که پیروی به اوامر مقدسه حضرت مستطاب عالی و شخص پادشاه کرده، ریشه ظلم را از بن براندازیم و هر کدام از وزراء که مانع پیشرفت خیالات حضرت مستطاب عالی بوده، با او چنان رفتار نمائیم که ملت روس با وزرای خود کردند و می کنند و جان و دل را از دست ظلم آنها خلاص نمائیم.

تاحال ما گمان می کردیم که تقصیر از علماء ملت است که ماها این طور بدبخت مانده ایم ولی حالا که حضرت مستطاب حاضر شده اید تا این که جان خود را در این راه صرف فرمائید، ما پنجاه هزار نفر رعایای ایران، که از دست ظلم و تعدی اولیای دولت علیه ایران ترك جان و مال خود کرده، در یاد کوبه مشغول کسب و فعلگی هستیم، با کمال شوق و افتخار و از صمیم قلب حاضریم که از جان و مال و اهل و عیال خود گذشته، به حضرت مستطاب عالی همراهی نمائیم و جان خود را در این راه نثار نمائیم. که بازماندگان ما آسوده باشند و سلطنت ما از میان نرود. نه این که ماها یقین داریم بلکه يك ملیون نفوس ایران که در روسیه اقامت دارند، همه همراهی خواهند کرد در خود ایران هم مسلم است هیچ کس از بذل مال و جان، در این راه مضایقه نخواهند کرد.

(فدائیان ملت - ایرانیان مقیم یاد کوبه)

روز جمعه هفدهم رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز جمع کثیری از تجار رفتند به سفارتخانه. از صاحبقرانیه تلفن شد که نایب السلطنه و صدراعظم می آیند شهر و در مجلس حاضر می شوند. به این جهت سایرین تأمل و صبر کرده اند که عصر در مجلس حاضر شوند، اگر بر وفق میل مردم عمل نشد، آن وقت عموم مردم بروند به سفارتخانه و در آن جا بمانند و تعطیل عمومی بکنند تا به مقصود و مرام خود برسند.

عصر آقایان علماء حاضر در مجلس نشدند. صدراعظم و نایب السلطنه هم که بنا بود بیایند شهر نیامدند طلاب هم عده زیادی رفتند به طرف سفارتخانه انگلیس اول شب جناب مشیر دیوان از طرف صدراعظم آمد به خانه حضرت آقای طباطبائی در حالتی که حامل دستخط شاه بود. دستخط را داد به حضرت آقای طباطبائی و اصرار و الحاح نمود که فردا آقایان در مجلس حاضر شوند که صدراعظم و نایب السلطنه و سایر وزراء هم حاضر خواهند شد در باب عین الدوله هم حکم شده است که معجلا برود به خراسان.

دستخط اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه که در جواب لایحه علماء اعلام صادر فرمودند

جناب اشرف صدراعظم - کاغذ جنابان آقا میرزا سید محمد و آقا سید عبدالله را ملاحظه فرمودیم. عین الدوله در اول قصدش رفتن به زیارت بود و مرخص هم شده بود. فقط به واسطه کسالت مزاج چند روزی برای معالجه این جا

آمد حالاکه حالش خوب شده است امشب نقل مکان خواهد کرد به خراسان برود و خواهد رفت دیگر چه ضرورت بود این قدر مطالب را به عرض برسانند. همین دستخط را به علماء ابلاغ نمائید.

۱۷ رجب ۱۳۲۴

مشیر دیوان خدمت حضرت آقای طباطبائی عرض کرد. نظامنامه هم به امضاء و صحه اعلیحضرت موشح شده است. در باب مجبوسین کلمات هم بنا شده است که مرخص شوند. بقیه پول مجدالاسلام را بنا شد فردا به عیالش برسانند.

روز شنبه هیجدهم رجب ۱۳۲۴ - امروز بعض دکانها و سراها را بستند، تجار در سفارتخانه بودند، مردم هم عازم برملحق شدن به آنها گردیدند. جناب آقای طباطبائی و آقای بهبهانی فرستادند در بازار که البته دکا کین را باز کنید و عصر در مجلس حاضر شوید، چنانچه برفق میل شما رفتار نشد آن وقت بازارها را ببندید. مردم اطاعت نموده بازارها را باز کردند.

طرف عصر صدراعظم و نایب السلطنه و سایر وزراء درباری، با حضور علماء اعلام و روساء تجار، حاضر در مجلس شدند. نظامنامه را قرائت نمودند. صدای زنده باد پادشاه ایران از زنده باد آقایان علماء، پابنده باد ملت ایران و مستدام باد اسلام، از مردم بلند گردید. بعد از قرائت نظامنامه و تشکر مردم، بعضی فریاد کردند که ما چهار نفر را نمی خواهیم، باید از اطراف پادشاه رؤوف ما نفی و تبعید شوند: یکی امیر بهادر و دیگری نصر السلطنه، سومی حاجب الدوله چهارمی نیرالدوله و خیلی بدگفتند از این چهار نفر. نیرالدوله هم حاضر بود و شنید، زودتر از همه رفت. قرار شد نظامنامه را مجدداً به نظر شاه برسانند، از فردا شروع در انتخابات کنند.

امروز وزراء مجلس، کردند، امیر بهادر در مجلس گفته بود دولت باید ملاحظه را علاج کند و دماغ آنها را بسوزاند. مجدالدوله برخلاف او حمایت از آقایان کرده بود. شب را مجدالدوله آمد منزل آقای طباطبائی و اظهار خدمت نمود که امیر چه گفت و من چگونه جواب دادم.

روز یکشنبه ۱۹ رجب ۱۳۲۴ - امروز دکا کین مفتوح گردید، تجار و روساء اسنانف و صرافها در سفارتخانه می باشند. می گویند: تا مجلس صحیحاً تشکیل نیابد و مطمئن نشویم خارج نخواهیم شد.

دیروز به واسطه نزاعی که بین مجدالدوله و امیر بهادر شده بود در مجلس صدراعظم و به شرف سدارت بر خورده بود لذا صدراعظم، در مقام استعفاء بر آمد و مراتب را حضور شاه عرض کرد. اعلیحضرت متعیر شده و فرمود: آنچه صلاح دانید معمول و اجراء دارید وزیر دربار را چه به این مذاکرات.

روز دوشنبه بیستم رجب ۱۳۲۴ - امروز طرف عصر مجلس منعقد گردید. نظامنامه را آوردند که به سحۀ شاه موشح و به مهر دولتی مزین شده بود. مردم دعا و تنای شاه را ، ورد زبانها ساخته آنچه لازمه تشکر بود به جا آوردند . قرار براین شد که روز دوشنبه ۲۷ که روز مبعث است شروع در انتخاب مبعوثین شود .

روز سه شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۴ - امروز آقایان علماء از صدراعظم خواهش نمودند که تلگرافی به ولایات از طرف دولت مخابره کنند. صدراعظم قبول و مراتب را حضوراً علیحضرت عرض کرد. طایفه سرافها هم که در سفارت می باشند مطالبه طلب و براتهای دولتی را که از مردم خریده اند می نمایند . متجاوز از صد هزار تومان برات و قبوض مواجب در دست سرافها می باشد .

روز چهارشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز دستخطی از اعلیحضرت شاهنشاه صادر گردیده که صورت آن از این قرار است :

صورت دستخط شاه

صاحبقرانیه ، مورخه ۲۲ رجب ۱۳۲۴

جناب اشرف صدراعظم، فهرست مطالب راجعه به مجلس را که به حضور فرستاده بودید ملاحظه شد . این که خواسته اند تلگرافی در صدور نظامنامه به تمام ولایات مخابره شود ، چون لازم است از تمام مندرجات نظامنامه عموماً مطلع شوند ، صدور تلگراف کافی نیست قدغن نمایند. عین نظامنامه مجلس را زودتر طبع نموده برای هر ولایت یک نسخه بفرستند که از آن قرار ترتیب انتخابات و شرایط آن عمل شود. به شاهزادگان و قاجاریه هم همین طور که خواسته اند اطلاع بدهید که پس از انعقاد مجلس، منتخبین خودشان را معرفی نمایند. مطالب راجعه به مجلس هم که باید در روزنامه طبع شود قدغن نمایند آنچه مقتضی است بعد از آن که نوشته شد در روزنامه دولتی چاپ کنند. عین الدوله هم که چند روزی تأخیر کرده است، مشغول تسویه کارهای شخصی خودش است و البته حرکت خواهد کرد .

۲۲ شهر رجب ۱۳۲۴

شب گذشته در شهر تهران چراغانی با شکوهی کردند برای تصحیح و اتمام نظامنامه و ما هم تیمناً و تبرکاً صورت نظامنامه را در تاریخ بیداری درج می کنیم، که اگر زمانی اهالی ایران به خوبی از خواب بیدار شدند و جرت کسالت خواب از چشم آنان بیرون رفت، حسن و قبح و با عیب و نقص آن را بفهمند .

نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی

دستخط همایونی در تصدیق و امضاء نظامنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب اشرف صدراعظم این نظامنامه صحیح است .

۲۰ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه انتخابات «مجلس شورای ملی» مطابق دستخط مبارک بندگان
«اعلیحضرت همایونی خلدالله ملکه» که در تاریخ ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۲۴
شرف صدور یافته از قرار شرح ذیل است :

فصل اول قواعد انتخابات

ماده اول - انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالت
و ولایت باید از طبقات ذیل باشند :

شاهزادگان و قاجاریه - علماء و طلاب - اعیان و اشراف - تجار - ملاکین
فلاحین و اصناف .

(تنبیه ۱) ایلات هر ایالتی جزو سکنه آن ایالت بوده و با شرایط مقرر
حق انتخاب دارند ،

(تنبیه ۲) ملاک عبارت از اصحاب ملک و فلاح عبارت از زارع است .

ماده دوم - انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند :

اولا - سن آنها کمتر از بیست و پنج سال نباشد .

ثانیا - رعیت ایران باشند .

ثالثا - معروفیت محلی داشته باشند .

رابعا - ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان
قیمت داشته باشد .

خامسا - تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند .

سادسا - اصناف، باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای
دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد .

ماده سوم - اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار
تفصیل اند :

اولا - طایفه نسوان .

ثانیا - اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج به قیم شرعی می باشند .

ثالثا - تبعه خارجه .

رابعاً - اشخاصی که سن آنها کمتر از بیست و پنج سال باشد
خامساً - اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند .

سادساً - ورشکسته‌ای که بی‌تقصیری خود را ثابت نکرده باشد .

سابعاً - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات اسلامی
قانونی دیده‌اند و متهمین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود
نکرده باشند .

ثامناً - اهل نظام بری و بحری که مشغول خدماتند .

اشخاصی که از انتخاب نمودن به شروط ممنوعند :

اولا - حکام و معاونین حکام در محل حکومت .

ثانیاً - مستخدمین اداره نظمیّه و ضبطیه در محل مأموریت خودشان .

ماده چهارم - انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل باشند :

۱ - زبان فارسی بدانند .

۲ - سواد فارسی داشته باشند .

۳ - رعیت داخله باشند .

۴ - معروفیت محلی داشته باشند .

۵ - داخل در خدمات دولتی نباشند .

۶ - سن آنها کمتر از سی سال و اضافه از هفتاد سال نباشد .

۷ - در امور مملکتی بصیرتی داشته باشند .

ماده پنجم - اشخاصی که از انتخاب محروم هستند .

۱ - طایفه نسوان .

۲ - تبعه خارجه .

۳ - اهل نظام بری و بحری که مشغول خدماتند .

۴ - ورشکسته به تقصیر .

۵ - مرتکبین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده

باشند .

۶ - آنهایی که سنشان از سی سال کمتر باشد .

۷ - اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند و متظاهر به فسق .

ماده ششم - عده انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت

سکنه آن بلد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر ، موافق صورت ذیل باید

انتخاب شود مگر «تهران» که عده انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل

است :

| | | |
|-------|----------|---------------------|
| ۴ نفر | چهار نفر | شاهزادگان و قاجاریه |
| ۴ | چهار نفر | علماء و طلاب |
| ۱۰ | ده نفر | تجار |
| ۱۰ | ده نفر | ملاکین و فلاحین |
| ۳۲ | یک نفر | اسناف از هر صنفی |

که جمعاً سی و دو نفر می‌شود (مجموع وکلای تهران) شصت نفر (۶۰ نفر) است در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل است :

| | |
|--------|--|
| ۱۲ نفر | آذربایجان |
| | خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام |
| ۱۲ نفر | |
| ۶ | گیلان و طالش |
| ۶ | مازندران و تنکابن و استرآباد و فیروزکوه |
| ۶ | خمسه و قزوین و سمنان و دامغان |
| ۶ | کرمان و بلوچستان |
| ۱۲ | فارس و بندر |
| ۶ | عربستان و لرستان و بروجرد |
| ۶ | کرمانشاهان و گروس |
| ۶ | کردستان و همدان |
| ۱۲ | اسفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه |
| ۶ | عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خونسار |

ماده هفتم - هر یک از انتخاب کنندگان ، صاحب یک رأی می‌باشند و فقط در یک طبقه می‌توانند انتخاب کنند .

ماده هفتم - عده انتخاب شدگان برای (مجلس شورای ملی) در تمام ممالک محروسه ایران پیش از دوپست نفر نمی‌تواند باشد . در شهرهای جزوهر ایالتی هر طبقه ، علیحده جمع شده ، یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت می‌فرستند . این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب می‌شوند و یا در محال آن شهر ، سکنی داشته باشند .

انتخاب شدگان در شهرهای جزو ایالات ، در کرسی ایالت جمع شده ، به‌عده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضاء انتخاب می‌کنند تا در مجلس شورای ملی حضور به هم رسانیده در مدت مأموریت ، به وظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است ، عمل

نمایند. انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.

ماده نهم - در هر محلی که انتخابات به عمل می آید، انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل (مرکب از شش نفر) و در تحت نظارت موقتی (حاکم) یا (نایب الحکومه) همان محل تشکیل خواهد شد. از این قرار دو انجمن تشکیل می شود (انجمن محلی) و (ایالتی) انجمن محلی، در شهرهای جزو ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت.

ماده دهم - شکایات راجعه به انتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود. یعنی انجمن های مذکور در ماده نهم رسیدگی خواهند کرد، بدون این که انتخابات توقیف شود.

ماده یازدهم - اگر از انجمن محلی، کسی متشکی باشد، به انجمن ایالتی رجوع خواهد کرد. و اگر نتیجه ای حاصل نشد به مجلس شورای ملی باید رجوع نماید.

ماده دوازدهم - هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد اعضاء مجلس، به جای او یک نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد.

ماده سیزدهم - اسامی انتخاب کنندگان و انتخاب شدگان هر ولایت را انجمن های محلی و ایالتی به دفترخانه (مجلس شورای ملی) بفرستند، که در دفترخانه مجلس اسامی آنها را به ترتیب حروف هجائیه، ثبت و برای اطلاع عموم طبع و نشر نمایند، كذلك بعد از اتمام عمل انتخابات، انجمن محلی نتیجه عمل را در ظرف یک هفته به انجمن ایالتی خواهد داد.

ماده چهاردهم - انتخاب شدگان در شهرهای جزو ایالت، باید از انجمن محلی، اعتبار نامه در دست داشته باشند و كذلك انتخاب شدگان در کرسی ایالت، باید اعتبار نامه از انجمن ایالتی در دست داشته باشند، در مجلس شورای ملی ارائه دهند.

ماده پانزدهم - انتخاب اشخاص مقرر به قرعه و به اکثریت آراء خواهد بود.

ماده شانزدهم - بعد از انتخاب اعضای (مجلس شورای ملی) اسامی انتخاب شدگان در دفتر مجلس ثبت شده و در روزنامه ها اعلان خواهد شد. ماده هفدهم - مجلس انتخاب کننده ملی در شهرهای حاکم نشین که به

در درجه منقسم می شود برقرار خواهد بود، و بنا بر اقتضا و مکان حاکم محل می تواند محل مجلس انتخاب را معین نماید .

ماده هجدهم - موعود و میعاد انتخاب، باید یک ماه قبل از وقت به توسط حکومت محل، به عموم اهالی به اعانت اوراق چاپی و سایر اعلانات مقتضیه اعلام شود .

ماده نوزدهم - انتخاب شدگان دارالخلافه و سایر ایالات هر چه زودتر باید در تهران حاضر شوند، چون انتخاب شدگان ولایات، به موجب نظامنامه باید منتخب شوند و حضور آنها فعلاً مدتی طول خواهد کشید، لهذا منتخبین تهران حالا انتخاب می شوند و مجلس تشکیل خواهد شد و به وظایف خود رفتار خواهند نمود، تا منتخبین ولایات حضور به هم رسانند و تأخیر حضور آنها سبب تعطیل مجلس نخواهد شد .

ماده بیستم - خرج سفره و مقرری سالیانه اعضای مجلس شورای ملی، موقوف به تشخیص و تصویب خود مجلس است .

ماده بیست و یکم - مدت مأموریت نمایندگان ملت، دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران، تجدید انتخابات خواهد شد .

ماده بیست و دوم - شکایات راجعه به مجلس و اعضای آن در عمل انتخابات و غیره، آنچه راجع به مجلس است، باید کتباً به رئیس مجلس اظهار شود، که در مجلس شورای ملی به ماده شکایت، رسیدگی شده و حکم آن صادر شود .

ماده بیست و سوم - بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمی توان به هیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود، مگر مرتکب به جنحه یا جنایتی باشد به طرز علنی. و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کس حق مزاحمت آنها را ندارد، مگر در صورتی که تحریرات و تقریرات عضوی، بر خلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور، مستوجب مجازات باشد. در این صورت به اجازه مجلس این نوع اشخاص به محکمه عدلیه، جلب خواهند شد.

ماده بیست و چهارم - اشخاصی که از رجال دولت و اعضاء دوائر دولتی به سمت نمایندگی به عضویت (مجلس شورای ملی) منتخب می شوند از خدمت سابقه، منفصل و در مدت این مأموریت، حق مداخله و اشتغال به خدمت سابقه یا خدمت دیگری ندارند و الا نمایندگی و عضویت ایشان، باطل می شود .

فصل دوم - ترتیب انتخابات و کشیدن قرعه و شرایط آن

ماده بیست و پنجم - انتخاب اعضای مجلس شورای ملی، در پایتخت و شهرهای بزرگ و متوسط و کوچک به عمل خواهد آمد، با حضور حاکم یا نایب‌الحکومه و در تحت نظارت انجمن مذکور در ماده نهم.

ماده بیست و هشتم - انتخاب به قرعه و اکثریت آراء تامه کتبی باید باشد و در صورت تساوی آراء باید به قرعه تشخیص انتخاب شده داده شود.

ماده بیست و نهم - روز انتخاب اعضاء مجلس و کشیدن قرعه، در هر سال که شد روز جمعه خواهد بود، با رعایت ترتیبات ذیل:

۱ - کشیدن قرعه باید در حضور حاکم و انجمن محلی و حضور انتخاب کنندگان باشد.

۲ - نظام مجلس قرعه کشی به عهده انجمن‌های مذکور در ماده نهم خواهد بود.

۳ - ورقه قرعه کشی باید کاغذ سفید بی نشان باشد.

۴ - هر يك از انتخاب کنندگان باید در خارج مجلس رأی خود را در آن ورقه نوشته سر بسته به دست يك نفر از اعضای انجمن مذکوره که معین خواهد شد بدهد، که مشارالیه در حضور جمع، در صندوق بیندازد. يك نفر از اعضای انجمن مذکور در ماده نهم اسامی انتخاب کنندگان را با صورتی که دارد مطابق کند.

ماده بیست و نهم - قبل از کشیدن قرعه، يك نفر از اعضای انجمن، درب صندوق را قفل نموده و دو نفر دیگر آن را مهر می‌کنند و کلید صندوق را یکی از اعضای انجمن ضبط می‌کند.

ماده بیست و نهم - پس از انجام کشیدن قرعه، درب صندوق را باز نموده در حضور جماعت اوراق را شمرده و کمی آن را از روی صورت اسامی، تشخیص می‌دهند و چند نفر در حضور جماعت، با نظارت انجمن مشغول استخراج آراء می‌شوند.

ماده سیام - از اوراق آنچه غیر مکتوب یا لایقراً باشد یا این که معرفی انتخاب شده را واضح نکرده باشند یا صاحب رأی خودش را در آن معرفی کرده باشد، از درجه اعتبار ساقط است و منضم به یادداشتها می‌شود بعد نتیجه قرعه را بلند، فریاد می‌کنند و از طرف رئیس مجلس اعلان می‌شود.

ماده سی و یکم - هر گاه عده انتخاب شدگان ملت زیاده از عده مقرر باشد، اشخاصی از آن میان انتخاب خواهند شد که از حیث سن، برتری و

رجحان داشته باشند و الا با وجود فرصت ، تجدید قرعه می شود اگر پس از شمردن اوراق معلوم شد که عده اوراق زاید از عده انتخاب کنندگان است ، قرعه را باطل کرده تجدید قرعه می نمایند .

ماده سی و دوم - انتخاب شدگان يك نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و منشی ها با تصویب اعضای مجلس ، سالی يك مرتبه تبدیل می شوند و در تجدید انتخاب اشخاص ، رعایت اکثریت آراء مجلس همیشه ملحوظ است .

به تاریخ ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۴ سجدہ مبارک اعلیحضرت را مقدمه نوشتیم این نظامنامه را در نهایت استعجال نوشتند اگرچه محتاج است به تنقید و تصحیح و زیاده و کم نمودن . ولی با این تعجیل و عدم تهیه و نبودن اسباب کار باز تا يك درجه خوب است .

روز پنجشنبه ۲۳ شهر رجب ۱۳۲۴ هجری - امروز آقایان ، در مدرسه نظامی مشغول انتخابات و مذاکرات می باشند . صنیع الدوله و مخیرالطنه و مخیرالملک ، پسرهای مرحوم مخیرالدوله که مردمان عالم و باتربیت و دانش می باشند داخل در کار شده اند و امیدواریم که مداخله اشخاص عالم ، اثر خود را بنماید و الا بر زحمات جهال اثری کامل ، مترتب نخواهد شد و نتیجه خوبی نخواهد داد .

امروز ورقه چاپی از قفقاز رسید . اگرچه این اوراق متعدد است ولی ما یکی از آنها را درج می نمائیم و مضمون سایرین هم به همین مضمون قریب است و هذا صورته :

انبیاء نامه اجتماعيون عاميون ايران

ای فقرای ایران ، جمع شوید ! ای اهالی کاسبه ایران ، ای زراعت کاران ایران ، ای اهل دهاتیان ایران ، همت کرده ، اتحاد نموده اجتماع بکنید ! خودتان را از ظلم این ظالمان خوش خط و خال استبداد مذهب خلاص نموده ، رهائی یابید . چرا گوش شماها کر شده ، شنوا نیست ؟ چرا دل شما مرده ، حس ندارد خبر بگیرد ، دنیا چطور پر آشوب است ؟ اهالی همسایه شمالی از خبر و ظلم سلطنت مستقلی جد و جهد و سربازی می کنند ، روحانیان و کشیشان ایشان هم خود را جانشین حضرت عیسی علیه السلام دانسته ، در راه دفع ظلم ، مانند عیسی دست از جان شسته ، خود را چطور در طریق رضای عیسی فدا می کنند . خوب شما تا به حال می گوئید که علماء اعلام مانع از پیشرفت خیالات جماعت فقرا بوده اند ، یعنی شریک دزد و رفیق قافله هستند . لله الحمد این افترا هم به دروغ پیوسته است الان به چشم خودتان می بینید و به گوش خودتان می شنوید که آقای طباطبائی و آقا سید عبدالله مجتهد چطور اقدام خالصانه نموده و خود را برای نجات امت جدش وقف کرده . مگر نشدید این ابن زیاد ثانی ، امیر بهادر جنگ ، چطور در

تهران اذیت و آزار می‌کند. کجاست آنها که همیشه آه کشیده با چشم نمناک می‌گویند: ای کاش ما هم در میدان کربلا حاضر بودیم تا جان خود را فدای حسین مظلوم علیه‌السلام می‌کردیم. کجا مانده است آن دروغگویان بی‌همتای مگر الحال میدان تهران کم از میدان کربلاست؟ مگر آقای سیدمحمد طباطبائی، فرزند زاده‌های حسین مظلوم که در میدان تهران، یک‌هفته و تنها مانده، دورش را اشرار تهران گرفته که عبارت باشد از: وزرای بی‌دین خودخواه. اگر در میدان کربلا هفتاد و دو نفر، اعوان و انصار حسین مظلوم را شهید کردند، اما در میدان تهران دو بیست نفر متابعان طباطبائی، قربان راه حریت شده‌اند. مگر مظفرالدین‌شاه سلطان مظلوم شما ایرانیان نیست؟ در میدان تهران تنها و مظلوم مانده، چهار اطرافش را این وزیران بی‌دین لامذهب تنگ گرفته، مردم با کمال یأس و ناامیدی به طرف راست می‌نگرد، سربازخانه و توپخانه و قورخانه را خراب و یغما شده می‌بیند. طرف چپ را ملاحظه فرماید، خزینه را خالی می‌بیند. پیش روی خود نگاه می‌کند، رعیت عریان و گرسنه مظلوم و به‌گدائی، بی‌عاری، غافل مشغول، سرگرم موهومات می‌بیند. اگر به پشت سر توجه فرماید، دشمن را حاضر، عسکر را مشغول حمالی دیده، هول نموده، حیران و سرگردان مانده، می‌گوید: خداوند تو خائن ملت و دولت را سرنگون فرماید، من که سلطان این ملت هستم این‌طور به خرابی رعیت خود راضی نیستم و برگشته، با صدای نحیف، مظلوم اهالی ایران را مخاطب نموده می‌فرماید: ای ملت ایران و ای اولاد عزیزانم، ای برادران دینی و وطنم، آیا شما را چه شده؟ چرا خون ملت و دولت پرستی در رگ شما خشکیده؟ چرا این‌طور بی‌عاری شده‌اید؟ حمیت نموده، ولینعمت خود را از دست این خائنان ملک و دولت نجات بدهید. ای جماعت ایران قسم به خون مطهر حسین مظلوم، الآن مظلومیت ملت ایران از شهدای کربلای معلی زیادتر است و امیر بهادر، یزید پلید است و متابعاتش بدتر از ابن‌زیاد و شعر ملعون و خولی بی‌حیاست. ای ملت ایران به خدا قسم! هر کس از افراد ملت در طریق حاصل نمودن حریت ملک و ملت شهید بشود کمتر از درجه شهدای کربلای معلی نیست.

ای اهالی ایران! ای فقرای کاسب ایران! جمع شوید، اتفاق نمائید، از بذل مال و تلقی جان مضایقه نکنید، خودتان را از دست این حاکمان خود مختار، ظالم، جبار، لامذهب، بی‌دین، خارج از دین محمدی علیه‌السلام خلاص نمائید، مگر خبر ندارید در تبریز هر روز پنج نفر از گرسنگی هلاک می‌شوند، به خدا قسم هر هفته در کاغذهای تبریز مندرج است، فلان کس در فلان

محلّه اهل عیال خود را به واسطه نیافتن کرده نان ، نا امید شده لاعلاج مانده زهر داده کشته است ، تا رفته گدائی نکند . مگر در روزنامه ها قرائت نمی نمودید حاکم بی غیرت قوچان برای اخذ رشوت به سر اهالی بیچاره چقدر اذیت و آزار نموده ناموسشان را بر باد داده جماعت به جان آمده ترك خانمان کرده ، دختران خود به ترکمانها فروخته ، بهای اولادشان را آورده داده تا خود را از تعدی این حاکم ظالم خلاص نمایند . مگر نمی بینید هر هفته از عراق بارهای شراب بار نموده به رشت می برند . مگر نشنیدید خانه فراشان رشت و خانه امام جمعه رشت فاحشه خانه شده است . این مسکرات مشنوم را آن جا صرف می کنند . آه ، فریاد ، شریعت همه از دست رفت . پس چه وقت اهالی ایران وظیفه اسلامیت باید ادا بکنند ؟ و الله مجبور شدیم يك واقعه حیرت آمیز را شرح بدهیم تا بدانید ظلم اولیاء دولت زیاد شده شریعت زیر پا افتاده . از آستانرا يك نفر دوست ملت و دولت احوالات را برای ما نوشته است تا در میان ملت خارجه سر بلند بشویم . می گوید : در پیش دکانی نشسته بودم ، يك دفعه دیدم دو نفر از طایفه انات آمده و ایستادند . خیال کردم یقین اهل سؤال هستند ، خواستم يك چیزی بدهم دیدم يك آه سرد کشیده گفتند برادر تو را به خدا قسم می دهیم ، ما را بلد شده از گمرکخانه بگذرانید . گفتم : شما کجائی هستید و کجا می روید ؟ جواب دادند : که ما ایرانی هستیم و لکن عزم روسیه داریم . پرسیدم ، پس چرا بی صاحب می روید ؟ گفتند برادر ، صاحب ما هشت سال است که از ظلم اولیای دولت ، به روسیه گریخته از ما سراغ ندارد . ما لاعلاج ماندیم ، به سراغ شوهر خودمان می رویم . گفتم : چه می دهید من شما را از گمرکخانه بگذرانم . جواب دادند : ما چیزی نداریم تا در این جا گدائی نموده ، آمده ایم اگر هر آینه شما چشم داشتی از ما دارید باید عمل بد به ما نمائید ، والا والله ما چیزی نداریم که به شما بدهیم . ای کاش زبانم لال بود این مذاکرات را نکرده بودم . بعد از آن دلم کباب شده ، همیشه جگرم می سوزد . خداوند عالم خودش به داد اهالی ایران برسد . اگر باور ندارید سواد کاغذ حاضر است . می توانم به واسطه روزنامه ارشاد ، به چشم اولیائی برسانیم .

ای سربازهای ایران ! ای توپچیهای ایران ! ای قزاقها و فراسهای بی ناموس ایرانیان ! اینها مگر ناموس شما نیست ؟ مگر خواهر شما نیست ؟ اینها مگر عیال برادر دینی شما نیست ؟ شما مگر محافظ ناموس ایرانیان نیستید ؟ این طور از ظلم اولیای دولت پراکنده شده بی صاحب رو به راه روسیه نموده در سرحد سالداتیهای روسیه ، این بیچاره ها را گرفته بی عصمت نموده رها می کنند